

گل‌های حس و عاطفه در «باغ نقاشی»

زهرة حیدری شاهی سزایی

نام کتاب: باغ نقاشی
نویسنده: اسدالله شعبانی
تصویرگر: بهاره زارع
ناشر: پروانه
نوبت چاپ: نخست/۱۳۸۸
شمار صفحات: ۲۴ صفحه
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه
قیمت: ۱۶۵۰ تومان



به‌طور مثال تمام شعرهای چاپ شده در کتاب‌های «خدا خدای مهربان» از نشر «به نشر» و «من یا عروسک من» از «نشر مدرسه» از کتاب «خرمن شعر خردسال» گرفته شده است. «خرمن شعر خردسالان» کتابی است که بیش‌تر از ۳۰۰ صفحه دارد و شامل حدود ۷۰۰ شعر دسته‌بندی شده با موضوعات کلان مختلف به گفته شاعر تحت ۲۹ سرفصل از موضوعات کلان آموزشی است و عمدتاً شعرهای اسدالله شعبانی را شامل می‌شود. این کتاب از لحاظ تاریخی قبل از کتاب‌های نام‌برده و توسط نشر توکا منتشر شده است.

البته انتشار خرمن شعر خردسال به صورت یک مجموعه‌ی بزرگ و بلافاصله پس از آن انتشار کتاب‌های کوچک کم‌صفحه‌ی مصور که حاوی همان شعرهای خرمن شعر خردسال می‌باشند بسی جای سؤال دارد و تنها توجیهی که به عنوان مخاطب بزرگسال و نه منتقد می‌توان برای آن دست و پا کرد شاید می‌توان این باشد که مخاطب کتاب «خرمن شعر خردسال» با مخاطب کتاب‌های حداکثر ۲۴ صفحه‌ای مصور تفاوت دارد و انگیزه‌ی شاعر برای جمع‌آوری اشعار خود و پاره‌ای از شاعران در «خرمن شعر خردسال» چیز دیگری بوده است. آن‌چنان که خود او در کتاب می‌گوید مربیان پیش‌دبستانی مخاطبان «خرمن شعر خردسال» اند و او این کتاب را در ادامه‌ی کتاب «فعالیت‌های یاددهی - یادگیری (برنامه‌ی درسی برای دوره‌ی پیش از دبستان» به چاپ رسانده است که کوششی است از نبی‌الله صادقی و اسدالله شعبانی، نشر توکا ۱۳۸۵.

نظر به تعداد آثار منتشر شده در حوزه‌ی ادبیات کودک و نوجوان، اسدالله شعبانی یکی از پرکارترین شاعران و نویسندگان کودکان و نوجوانان در ایران است. او آثاری هم در بخش تألیف دارد اما به دلیل فراوانی بیش‌تر آثارش در حوزه‌ی شعر، به عنوان شاعر کودک و نوجوان شناخته شده است. شاعری که عمده‌ی آثار اخیرش را مخاطبان گروه سنی الف و ب را در برمی‌گیرند. پس از یک دوره کم‌کاری از این شاعر در یک سال اخیر بازار کتاب شاهد حضور چند مجموعه شعر در حوزه‌ی خردسال و کودک و یک مورد هم برای نوجوانان بود. «خرمن شعر خردسالان»، «یک نفر رد شد از کنار دلم»، «تنگ بلور آسمان»، «لالالالا عروسک جان»، «خدا خدای مهربان»، «دنیای من رنگ و وارنگ»، «من یا عروسک من» و «باغ نقاشی» از آثار جدید شعبانی است که بیش‌ترشان از سوی انتشارات «به نشر» به بازار آمده‌اند و این ناشر چند اثر دیگر هم از اسدالله شعبانی در دست بررسی و چاپ دارد.

کتاب‌های تازه انتشار یافته‌ی اسدالله شعبانی توجه مخاطبان بزرگسال و منتقدان و بررسان شعر کودک را به‌طور ویژه به خود جلب کرده است و علی‌رغم ابراز خوشحالی خود از این جنب و جوش تازه‌ی آثار شعبانی به عنوان شاعر خوب و خوش ذوق و صاحب‌نظر و مؤثر در ادبیات کودک، نتوانستند نسبت به تکراری بودن بعضی آثار عکس‌العمل یا توجهی نشان ندهند. در نقدها و بررسی‌های متعدد شاهد بودیم که بررسان و منتقدان نسبت به تکرار شعرها در مجموعه‌های مختلف سخن به میان آورده‌اند.

طبیعت‌گرایی طبع ویژه‌ی این شاعر است. با نگاهی به پیشینه‌ی آثار شعبانی می‌توان نتیجه‌گیری کرد که او دل‌بستگی خاصی به واژه‌های مرغ، پرند، مروارید، پولک، دریا، چشمه، رود، کوه، گل،... از خود نشان می‌دهد و صدای طبیعت همواره از شعرهایش شنیده می‌شود و موضوع اغلب آثار او را عوامل طبیعت تشکیل می‌دهند.

مضمون اغلب اشعار وصفی-روایی و آمیزه‌ای از طبیعت با اجتماع و زندگی و رابطه‌ی انسان با آن‌هاست. در شعرهای روایی، موضوع ساده‌ای بیان شده و شاعرانگی در حد تشبیهات ساده و دم‌دستی به چشم می‌خورد.

تشبیهاتی که افراد عادی و غیرشاعر هم آن‌ها را می‌بینند:

من یک مرغ مینا داشتم

خیلی قشنگ بود

چشمان او آبی‌آبی

دریایی رنگ بود

...

یک شب مرغ زیبای من

گم شد دوباره

از دوریش چشمم شده

پُر از ستاره

پرتقال:

درخت سبز پرتقال

پُر شده از میوه‌ی کال

میان پرتقال‌ها

یک پرتقال سبز و زرد

نشسته در هوای سرد

می‌خندد و تاب می‌خورد

باز دارد آفتاب می‌خورد

رسیده و دلش پُر از آب شده است

پیرهن او به رنگ آفتاب شده است

شعرهایی با مضمون وصفی که طبیعتاً توصیفات بیش‌تری در آن به چشم می‌خورد و عنصر تشبیه و احساسات و عاطفه بیش‌تر در این دسته شعرها دخیل هستند اما جای تخیل و اندیشه شاعرانه خالی است.

دریا، چه آبی

دریا، چه لبریز و قشنگ است

آغوش نرمش

جای نهنگ است

ای کاش می‌شد

مانند یک قو

در آن شنا کرد

ای کاش می‌شد

در آب‌های آبی‌اش

خود را رها کرد

(«دریا» ص ۱۸)

به هر حال روی پیشخوان کتاب‌فروشی‌ها شاهد هستیم که کتاب‌های کوچک مصور که برای کودکان ساخته شده در کنار منبع حجیم‌شان «خرمن شعر خردسالان» آرام گرفته‌اند و هر کدام در انتظار مخاطب ویژه‌ی خود است. این کنار هم بودن و هم‌زمانی چاپ هم مسئله‌ی غیرمتعارفی است. چرا که معمولاً جریان بر عکس است. و همه‌ی گردآوری‌ها و مجموعه‌های بزرگ‌تر، سال‌ها بعد از انتشار پراکنده شعرها و مجموعه‌های کوچک ایجاد می‌شوند نه یک سال یا چند ماه قبل از انتشار پراکنده آثار! (با توجه به این‌که به هر حال مخاطبان نهایی خرمن شعر خردسال کودکان‌اند و اکثر شعرای کتاب هم‌زمان در کتاب‌های کوچک‌تر و با عنوان‌های مختلف به چاپ رسیده‌اند.) یازده شعر دیگر برگرفته از «خرمن شعر خردسال» با اندک تغییرات ویرایشی در کتاب دیگری تحت عنوان «باغ نقاشی» به چاپ رسیده است. اولین تغییری که به چشم می‌خورد تغییر گروه



سنی شعرها از «الف» به «ب» در این کتاب است. (خرمن شعر خردسال برای گروه سنی «الف» جمع‌آوری شده است.) بدون در نظر گرفتن تناسب یا عدم تناسب شعرها با گروه سنی مخاطب این کتاب باید گفت که تعیین گروه سنی توسط ناشر بدون دقت و توجه به نظر شاعر باعث شده است که شعرها از نظر ارتباط با مخاطب، خریداران را سردرگم کند و منتقدان را به نقد بکشاند. اگر قرار است گروه سنی درج شود، بهتر است معیارهای تعیین آن مشخص‌تر باشد چون خریداران بسیاری عادت کرده‌اند با نگاه کردن به شناسنامه‌ی کتاب، بر حسب گروه سنی کتابی را برای کودک و نوجوان خود انتخاب کنند.

سایه‌ی درخت، مرغ مینا، مرغ و لانه، مروارید دریا، پرتقال، دریا، خانه‌ی ما و لباس مترسک چند عروسک از شعرهای این مجموعه‌اند که از طبیعت و چیزهای موجود در آن می‌گویند و توجه کودک را به آن جلب می‌کند.

احساسات و آرزوهای انسانی با آوردن ترکیب (ای کاش می‌شد) برانگیخته می‌شود و حس مخاطب را به حس شاعر نزدیک می‌کند.

در آثار با مضمون توصیفی آن‌جا که شاعر به زیبایی به وصف پدیده‌های و بیان حالات و احساساتش درباره‌ی آن پدیده می‌پردازد، اگر حرفی برای گفتن نداشته باشد و کشفی در شعر صورت نپذیرد اتفاق منحصر به فرد شاعرانه‌ای رخ نداده است. این شعر توصیفی-روایی، روایت نقاشی کشیدن و توصیف نقاشی است. تخیل زیبایی هم در نقاشی موج می‌زند:

در دفتر نقاشی‌ام
یک باغ زیبا می‌کشم
در گوشه‌ای از آسمان
یک مرغ تنها می‌کشم
آن مرغ در نقاشی‌ام
یک لانه پیدا می‌کند
می‌آید و در لانه‌اش
آهسته لالا می‌کند
وقتی که پا شد جیک و جیک
از من تشکر می‌کند
او با صدایش باغ را
از دوستی پُر می‌کند
(«مرغ و لانه» ص ۱۰)

توجه به پیرامون و توصیف آن با احساس لطیف و تخیل کودکانه برای تقویت احساس و عاطفه‌ی کودک لازم است و اگر باعث خلاقیت و تحول ذهن و روان کودک شود، شعر کار خود را انجام داده است. کودکان معمولاً تفاسیری از نقاشی‌هایشان نزد خود دارند و اگر از آن‌ها بخواهید نقاشی‌شان را برای تان تعریف کنند حرف‌های قشنگی خواهید شنید. این شعر از این جنبه به دنیای کودکان بسیار نزدیک است و می‌توان در زمره‌ی شعرهای مورد علاقه‌ی کودکان قرار گیرد و ارتباطی درونی با کودک برقرار کند. پرنده‌ای که در صفحه‌ی نقاشی جان می‌گیرد و برای خود لانه‌ای پیدا می‌کند و حتی صدایش هم در باغ نقاشی شنیده می‌شود تخیلی زیباست.

شاید بتوان شعرهای این مجموعه را از نقطه نظر ارتباط با مخاطب به دو دسته تقسیم کرد:

۱. شعرهایی که با هدف توجه دادن نسبت به چیزی خاص سروده شده‌اند. (که گاهی هدف خود را نشان نمی‌دهد و به خوبی در کل شعر جاری است).

۲. شعرهایی که صرفاً توصیف‌اند.

برای جلوگیری از تکرار فقط به دسته‌ی اول می‌پردازیم در بخش مضمون شعرها به شعرهایی که صرفاً مضمون توصیفی دارند اشاره شده است:

شعرهایی در این مجموعه مشخصاً با هدف توجه دادن کودک به طبیعت و پیرامون کودک سروده شده‌اند. در شعر «سایه‌ی درخت» این توجه دادن کاملاً به‌طور مستقیم ارائه نشده

و ارتباط خوبی بین پیام مستتر و مخاطب ایجاد می‌شود.

من یک درخت کوچک
کنار چشمه کاشتم
رفتم و یک نشانه
کنار آن گذاشتم
سال‌ها گذشت و من هم
حسابی قد کشیدم
رفتم و آن درخت را
کنار چشمه دیدم
چشمه همان چشمه بود
قُلْ قُلْش آشنا بود
درخت من دامنش
پُر از پرنده‌ها بود
در سایه‌اش نشستم
کنار پیرمردی
انگار یکی به من گفت
چه کار خوبی کردی.
(شعر «سایه‌ی درخت»)

این شعر با ایجاد فضایی دوست‌داشتنی و بیان خاطرهای ساده و صمیمی، توجه به طبیعت و مفید بودن آن را القا می‌کند. قُلْ قُلْ آشنای چشمه و پُر بودن دامن درخت از پرنده‌ها حرف‌ها و تصویرهای شاعرانه‌ای است که کودک از شنیدن آن‌ها لذت می‌برد. در بخش آخر ایهام ساده‌ای وجود دارد که ممکن است کودک برای چند لحظه به فکر برود و درباره‌ی آن فکر کند:

در سایه‌اش نشستم
کنار پیرمردی
انگار یکی به من گفت:
«چه کار خوبی کردی!»

کار خوب کدام است؟ این که قبلاً درخت کاشته که حالا پیرمردی می‌تواند زیر سایه‌اش بنشیند یا این که کنار پیرمردی چند سایه‌ی درخت نشستن؟ این پرسش‌های ذهنی ساده برای چند لحظه کودک را درگیر می‌کند و او خود به سادگی به کشف پاسخ دست می‌یابد و لذت می‌برد. «چه کار خوبی کردی!» تحسین یا پذیرشی از سوی بزرگسالان نیست بلکه در واقع این صدای حس درونی خود کودک است که بابت کاری که قبلاً انجام داده هم اکنون احساس شادی و رضایت دارد.

این شعر به راحتی احترام و توجه به طبیعت را در دل کودک می‌نشانند و هر کودکی را علاقه‌مند می‌کند در پی موقعیتی باشد تا درختی بکارد و مثل کودک درون شعر به آن تجربه‌ی زیبا دست پیدا کند.

شعر «موزه» و «مروارید دریا» هم از این دست‌اند. این شعرها گویی می‌خواهند توجه کودک را به اطراف و محیط جلب کنند. در این دو شعر لحظات زیبا و شاعرانه کم‌تر به چشم می‌آید و صرفاً زبان وصفی یا وصفی روایی است و هدف در آن خودنمایی می‌کند.

موزه‌ام و موزهام
 دریایی در کوزه‌ام
 جنگل و بیشه دارم
 داخل شیشه دارم
 هر چیز خوب دیده‌اند
 کنار هم چیده‌اند
 اسکلت و نقش تن
 از استخوان تا آهن
 سکه‌ی پادشاهان
 لباس خان و دهقان
 گلیم و قالی دارم
 ظرف سفالی دارم
 چشم‌ها را خوب وا کنید
 مرا تماشا کنید

نخواهد رسید. آیا موزه جای چیزهای خوب است؟ (هر چیز خوب دیده‌اند/ کنار هم چیده‌اند) نقش تن چیست؟ (اسکلت و نقش تن/ از استخوان تا آهن.) آهن در موزه است یا وسایل ساخته شده از آهن که نام مشخصی دارند در موزه یافت می‌شوند؟ آن‌ها چه هستند؟

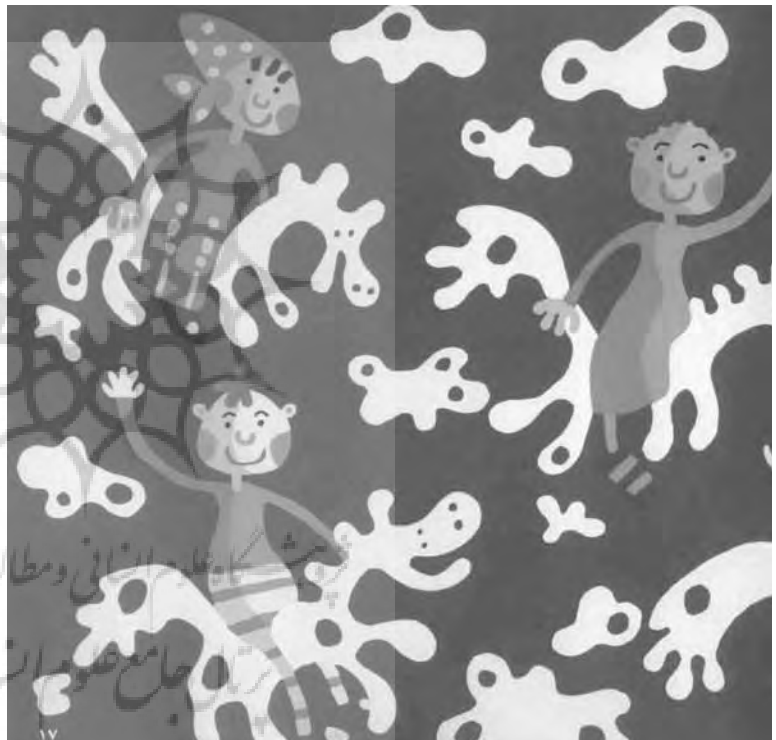
احتمالاً ارائه مفهومی دقیق‌تر از موزه و تصویر دقیق‌تر از چیزهایی که در موزه نگهداری می‌شوند، مستلزم تغییر در شکل بیرونی و آهنگ و موسیقی زیبای شعر بوده و ممکن بود با تغییر کلمات وزن دیگر به این خوبی درنیاید.

«مروارید دریا» هم از سلسله شعرهایی است که با مضمون روایی - وصفی تجربه‌ای از کودک شاعر در طبیعت را ظاهراً به منظور جلب توجه کودک نسبت به گوشه‌ای دیگر از طبیعت، بازگو می‌کند:

روزی کنار دریا
 تنهایی می‌دویدم
 که ناگهان صدایی
 از زیر پاهای خودم شنیدم
 به من می‌گفت: «نگاه کن،
 ببین چه شکلی‌ام من
 گوش ماهی‌ام، کلاهم
 فکر می‌کنی کی‌ام من و چی‌ام من؟»
 دیدم و گفتم: «عجب!
 چقدر تو زیبا شدی
 گوش ماهی چیست؟
 کلاه چیست؟
 تو مثل مروارید دریا شدی.»
 («مروارید دریا» ص ۱۴)

این شعر توجه کودک را به آن‌چه در زیر پای کودک شعر در ساحل دریا به حرف آمده جلب می‌کند. گوش ماهی یا کلاه؟ یا چیز دیگر؟ گوش ماهی شاید به کلاه شباهت داشته باشد اما مروارید یا چیزی مثل مروارید دریا، خیلی با «گوش ماهی» تفاوت دارد. «چه چیز مثل مروارید دریا شده است؟»، بدون پاسخ باقی می‌ماند. با تأمل و فکر کردن بیش‌تر هم مسئله حل نمی‌شود. بزرگ‌ترها هم نمی‌دانند که آن چیست؟ اما ظاهراً کودک شعر با این پدیده آشنایی قبلی دارد! (دیدم و گفتم: / عجب / چقدر تو زیبا شدی / گوش ماهی چیست؟ / کلاه چیست؟ / تو مثل مروارید دریا شدی) تصویر، صدفی که مرواریدی را دربردارد نشان می‌دهد. اما صدف مثل مروارید دریا نیست. صدف مروارید را در درون خود دارد. اگر هم منظور فرایند مروارید شدن و تغییر کردن یک دانه شن (آشنا) در درون صدف است به این مسئله اشاره‌ای نشده است و درک فهم آن برای کودکان و مشکل است.

شاید شاعر قصد داشته تنها به بیان کردن واژه‌هایی مثل گوش ماهی و مروارید بسنده کند و با زبان و بیان ساده و آهنگین توجه کودک را به این پدیده‌های کنار دریا جلب نماید. اما به



برای کودکانی که موزه را از نزدیک ندیده‌اند این شعر نمی‌تواند بازخورد مناسبی داشته باشد. تعداد آثار شمرده شده در موزه زیاد است. آن‌گونه که شعر خود می‌گوید، انگار کودک باید در موزه باشد تا چشم‌هایش را باز کند و به تماشای موزه و وسایل داخل آن بپردازد (چشم‌ها را خوب وا کنید/ مرا تماشا کنید)

درک تصویر (دریایی در کوزه) برای کودک اگرچه کمی سخت، اما شاید تازه و جالب باشد ولی آیا همه چیز در موزه یافت می‌شود؟ شاید جنگل و بیشه و داخل شیشه! یا (جنگل و بیشه‌ی داخل این توصیف‌ها کودک به تعریف خاصی از موزه

خاطر حفظ آهنگین بودن شعر، مفهومی رها شده و سؤالی بی‌جواب مانده است!

گاهی تلاش و کوشش شاعر در جهت نمایاندن طبیعت و عوامل آن یا هر چیز دیگر، اگر هدف از پیش تعیین شده هم داشته باشد، باعث کمرنگ شدن احساس و عاطفه و پیام و اندیشه و در نهایت کمرنگ شدن شاعرانگی اثر می‌شود و این امری طبیعی است. حتی اگر تصویرهای ذهنی خوب باشد اما ریشه در واقعیات عینی داشته باشند، تخیل در شعرها کمتر به وجود می‌آید.

زبان و بیان غالباً در این مجموعه شعر معمولی و یک‌بعدی است. ابعاد حسی، عاطفی و تخیلی کمتر دیده می‌شود و تفاوتی که زبان شعر برای شعر ناب بودن باید با زبان معمولی داشته باشد در این شعرها دیده نمی‌شود. اما باید پذیرفت که برای ماندگار شدن اثر، ادبیات ناب بودن مهم نیست و میزان برقراری ارتباط با مخاطب نقش مهمی را در ماندگار بودن اثر ایفا می‌کند. دلیل این مدعا هیجانه‌های زیبایی است که از دیرباز به‌جا مانده و هنوز هم از شعرهای محبوب کودکان و بزرگسالان به‌شمار می‌روند.

موسیقی و ریتم در اشعار شعبانی مهم‌ترین ویژگی آثار اوست. او به وزن بیرونی شعر اشعار مانند وزن و قافیه و ردیف توجه خاص دارد و شعرهایی که برای خردسالان سروده است به دلیل داشتن ریتم و نظم آهنگین و ضربی و شاد می‌تواند به خوبی کودکان را به جنبش و حرکت و شادی وا دارد. شعر شعبانی در مجموعه‌های دهه‌ی هفتاد او جلوه‌هایی زیبایی را به نمایش می‌گذارد که این روزها کمتر اثری از آن‌ها می‌بینیم: هماهنگی موسیقی بیرون و درونی در این شعر بسیار زیباست: در شعر «قاب آب» در مجموعه‌ی «پولک ماه» می‌خوانیم:

سنگ و شن و سنگ و شن
با کمک کودکان
آب شد
بسته شد.
آب روان ایستاد
خسته شد.
برکه‌ی کوچک که دلش تنگ بود
خانه‌ی قورباغه و خرچنگ بود
باز پُر از آب شد.
آیین‌های آب در آن قاب شد
کودکان
خنده به لب، شادمان
ماهی آن برکه‌ی کوچک شدند.
توی آب
قالتی مرغابی و اردک شدند

اما شعر «دو تا نیلوفر» از نظر عوامل زیبایی‌شناختی، تفاوتی عمده با شعرهای دیگر این مجموعه دارد. شعر دو موجود-

کودکی که نامش نیلوفر است و گل نیلوفر- را با در مقابل هم قرار داده و با وجود تفاوت‌های بسیارشان به وحدتی زیبا رسانده است. این شعر بر اندیشه و تفکر کودک تلنگری می‌زند و این مقایسه، بیان تفاوت و سپس یکی شد لذتی ذهنی و درونی را به مخاطب می‌چساند:

تو نیلوفری
من هم نیلوفر
تو روی آبی
من پیش مادر
یک شاخه از تو
در خانه‌ی ماست
دو تا نیلوفر
با هم چه زیباست
تو یک گیاهی
یک گل نازی
چه خوب که با هم
شدیم هم‌بازی
(«دو تا نیلوفر» ص ۶)

در مجموعه‌ی شعر «تنگ بلور آسمان» از همین شاعر، در شعر «گل مریم»، هم‌چنین تقابلی زیبایی بین دختری به نام مریم و گل مریم ایجاد شده که از حس و عاطفه سرشار است:

با مادر خود مریم
یک روز به صحرا رفت
از تپه‌ی سرسبزی
چون باد به بالا رفت
از تپه تماشا کرد
گل‌های فراوان دید
یک شاخه گل زیبا
از دور به او خندید
آن شاخه گل زیبا
اسمش گل مریم بود
بر برگ گل مریم
یک قطره‌ی شبنم بود
لبخند زد و بو کرد
مریم گل مریم را
از عطر خودش پُر کرد
آن قطره‌ی شبنم را

(تنگ بلور آسمان، منادی تربیت)

اسدالله شعبانی تاکنون آثار زیادی خواندنی و ماندنی در ادبیات کودک از خود به‌جای گذاشته است و با نظریه‌پردازی‌ها و همکاری مؤثر با کوشندگان ادبیات و نشر کتاب‌های کودکان و راهنمایی بسیاری از شاعران و نویسندگان جوان نام و نشان نیکی از خود به‌جا گذاشته است. نگارنده آرزو دارد چرخه‌ی ذهنی و جوشش درونی او چون گذشته بچرخد و بجوشد و این شاعر خوب، حرف‌های تازه‌اش را رو کند.